

پنجاه و سه نفر

بزرگ علوی



مؤسسه انتشارات نگاه

تهران، ۱۳۸۹

فهرست

۷	مقدمه
۱۰	دستگیری من
۱۷	اداره سیاسی
۲۷	شب اول زندان
۳۵	استنطاق
۴۳	شکنجه‌های روحی
۵۱	حاکم زندان
۵۸	بیکاری
۶۵	سیاست زندان
۷۰	زندانی ارانی
۷۶	یک شب مرگ
۸۳	مقاومت دسته‌جمعی
۹۲	مأمور زندان
۹۸	پنجاه و دونفر یا پنجاه و چهار نفر
۱۰۵	زندگانی ما در فلکه

۱۱۲ زندان قصر
۱۲۰ استنطاق
۱۲۶ خانواده‌های ما
۱۳۲ صد مرد چو شیر
۱۶۱ روزنامه
۱۷۵ کتاب
۱۹۰ مداد و کاغذ
۲۰۱ مقدمه محاکمه
۲۱۱ محاکمه پنجاه و سه نفر
۲۵۵ گناه پنجاه و سه نفر
۲۶۶ عفو عمومی
۲۷۷ مرگ دکتر ارانی
۲۸۲ ده نفر را دزدیدند
۲۹۸ دستگاه فاسد
۳۰۴ شهریور ۱۳۲۰
۳۱۵ بیست و پنجم شهریور

مقدمه

وقتی که «ورق پاره‌های زندان» منتشر شد عده‌ای از خوانندگان من ناراضی بودند. شاید هم حق داشتند. خوانندگان بیشتر مطالبی راجع به زندان می‌خواستند. به طور کلی آنها می‌خواستند بدانند چگونه با مجوسین رفتار می‌شد. چگونه آنها را زجر می‌دادند، چگونه آنها را می‌گرفتند، می‌کشتند و نابود می‌کردند. خوانندگان زندان می‌خواستند و من «ورق پاره» تقدیمشان کرده بودم. ورق پاره برای من معنای خاصی داشت. باید احتیاجی موجود باشد که انسان با وجود فشارهای طاقت‌فرسای میرغضب‌های دوره سیاه (که اگر کاغذ پاره‌ای نزد زندانی می‌یافتند، گزارش‌ها به مقامات عالی‌تر می‌دادند) ورق پاره پیدا می‌کرد و احساسات خود را روی آن سعی می‌کرد بیان کند. احتیاجات به بیان احساسات و این عوالم زندان را که مخصوص و یادگار ننگین دوره سیاه است، من «ورق پاره» نام نهادم.

در «پنجاه و سه نفر» از این حیث شاید خوانندگان راضی‌تر باشند. اما به طور یقین باز دسته‌ای ناراضی خواهند بود، عده‌ای می‌گفتند که چرا من میرغضب‌ها و دوست‌اقیانها را با نام و نشان اسم نبردم. مردم می‌خواهند بدانند این شماره‌های دوره جدید که به لباس شهربانی و قاضی و وزیر درآمده بودند، چه کسانی هستند، صرف نظر از اینکه در این اواخر روزنامه‌ها به حد کافی این اشخاص را شناسانده‌اند، اساساً ذکر اسامی این‌ها چه تأثیری دارد؟ فرض بکنیم اسم فلان طبیعی که به دکتر ارانی بیمار مبتلا به